

تأثیر برنامه درسی فلسفه برای کودکان، بر پرورش تفکر انتقادی

در استفاده از فضای مجازی

مریم سلگی^۱؛ ام البنین کشاورز رودکی^۲

از روش مطالعه کیفی جهت گردآوری مطالب استفاده شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که در برنامه درسی فلسفه و کودک توجه گسترده‌یی به ابعاد مختلف ذهن فلسفی شده است. ولی با توجه به تغییرات ایجاد شده در حوزه فناوریهای اینترنتی و شبکه‌های مجازی و تحیر کودکان در مواجهه با این تغییرات باید کودکان هوشمند را با برنامه‌های درسی به نقد اطلاعاتی که روزانه از این طریق به ذهن آنها وارد میشود، هدایت کرد و مهمتر اینکه موضوع تهدیدات فضای مجازی برای گروه کودکان، عامل مهمی است تا دست‌اندرکاران حوزه آموزش و پرورش به این مهم بیشتر توجه کنند.

کلیدواژگان

برنامه درسی فلسفه و کودک
فضای مجازی
تفکر انتقادی

مقدمه

تنها موجودی که بعلت داشتن قوه اندیشه، نیاز به آموزش و تربیت دارد، انسان است و یکی از وظایف اصلی هر حکومت و دولتی این است که زمینه تعلیم و تربیت انسانها را فراهم آورند و در این راستا از همه امکانات و تجهیزات استفاده نماید. یکی از اهداف اساسی هر نظام آموزشی، تربیت انسانهای آگاه و هوشیاری است که تفکر خود را بر پایه استدلال صحیح و منطق بنا نهاده، در برخورد با دنیای پیرامون خویش با اندیشه‌یی جامع و عمیق جوانب مختلف امور را بررسی نموده و قابلیت

چکیده

آموزش و پرورش یکی از مهمترین فعالیتهای بشر در تمامی جوامع میباشد. گسترش روزافزون ساختارهای اجتماعی و نیاز به تربیت و آماده‌سازی افراد برای زندگی در حال رشد از یکسو و تعدد دیدگاهها - در خصوص نقشی که آدمیان در قرن جدید ایفا خواهند کرد- از سوی دیگر، بیش از پیش دست‌اندرکاران نظامهای آموزشی را متوجه هدایت و سازماندهی فرایندهای آموزشی نموده است. آموزش و پرورش جدید در تلاش است تا تفکر انتقادی و روشهای صحیح استدلال و تفکر را محور برنامه درسی قرار دهد. تغییر و تحولات سریع جوامع، رشد روزافزون اطلاعات، ورود فضای مجازی به زندگی افراد و نیاز به نحوه برخورد صحیح با این تحولات، مستلزم درست اندیشیدن و پرورش قوه تخیل و قضاوت است تا فرد توانایی سازگاری و هماهنگی با این تحولات را بیابد.

در این راستا در سه دهه پیش، برنامه درسی فلسفه و کودک در جهت اصلاح و تقویت نیروی فکر و اندیشه طراحی شد. این برنامه یکی از جدیدترین راهها با هدف تقویت و بهبود توانایی استدلال، داوری و قدرت تشخیص دانش‌آموزان میباشد. همچنین این برنامه دارای هدفهای شناختی و اجتماعی است و هدف اصلی آن آموختن چگونه اندیشیدن به کودکان میباشد. بدین‌منظور در تحقیق حاضر

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء (نویسنده مسئول)

mari_sst@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی آموزش عالی دانشگاه شهید بهشتی

انعطاف بالایی در مواجهه با مسائل زندگی دارند و بعبارتی دارای ذهن فلسفی هستند. بویژه اینکه دنیای کنونی با پدیده‌ی بنام فضای مجازی روبروست که انتخاب و تشخیص برنامه‌ها و نوع استفاده از آن مستلزم داشتن قوه تفکر و استدلال و البته تفکر انتقادی است؛ آموزشهایی که بتواند ذهن خلاق کودکان را نسبت به انتخابها و قضاوتها پویاتر کند. در این بین مدارس و برنامه‌های درسی کارشناسی شده میتوانند طوری عمل کنند که تفکر انتقادی کودکان را در سالهای اولیه زندگی آنها فعال نمایند. در واقع تغییر و تحولات سریع جوامع، تعدد دیدگاهها درخصوص نقش آدمیان در دنیای جدید و نیاز به نحوه برخورد صحیح با این تحولات، مستلزم آموزش و پرورش صحیح و پروراندن استدلال و قضاوت و توانایی مواجهه با مسائل است، تا از این طریق فرد بتواند مسیر صحیح را از ناصحیح بازشناسد؛ چرا که با گسترش فناوریهای مختلف از جمله فناوری اطلاعات و اینترنت، نقش و آثار آنها در زندگی انسان خودنمایی میکند. در واقع این از ویژگیهای اینترنت و فضای مجازی است که با جستجوی انسان در کتابخانه و فضای واقعی متفاوت است؛ از اینرو بطورکلی انتخاب و گزینش نیز در فضای مجازی دشواریهای خاص خود را دارد. به اعتقاد دریفوس^(۱) نبود سلسله مراتب و اکتشاف نامحدود باعث میشود فرد بجای انتخاب و گزینش دقیق به «هر جا گزینی» پردازد و در نتیجه، انتخابهای او اصالت کافی نداشته باشد. در واقع میتوان گفت بخاطر وجود اطلاعات بیشمار و نبود سلسله و نظم مشخص در فضای مجازی و گزینش از میان گزینه‌های بسیار، امکان انتخاب درست به آسانی میسر نیست. از اینرو بنظر میرسد توجه بیشتر به عرصه تعلیم و تربیت در آگاهی دادن دانش‌آموزان و افزایش قدرت نقد آنها ضروری است. همچنین لازم

است معیارهای مشخص و دقیقی توسط مسئولان مدارس و معلمان برای شناخت سایتها و مطالب درست به آنها ارائه شود. ارتباط صمیمی با دانش‌آموزان چه از طرف معلمان و چه از طرف والدین بیش از پیش ضروری بنظر میرسد تا آنها بتوانند پرسشهای خود را از طریق منابع معتبر و بهتری پیگیری نمایند.^(۲)

برنامه آموزش «فلسفه و کودک»

تربیت و تعلیم یکی از مهمترین فعالیتهای جوامع بشری در تمامی جوامع است. گسترش روزافزون ساختارهای اجتماعی و نیاز به تربیت و آماده‌سازی افراد برای جامعه در حال رشد، توجه دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت را متوجه هدایت و سازماندهی فرایندهای آموزشی نموده است. از آنجایی که خانواده و نهاد آموزشی بعنوان دو میانجی اصلی در پرورش تفکر فلسفی و پیوند دادن فلسفه با مسائل واقعی زندگی مطرحند، در دنیای پیچیده امروزی بیشترین نقش مسئولیت را در این زمینه بعهده دارند. برنامه آموزش «فلسفه و کودک»، بعنوان یک برنامه آموزشی که نهادهای رسمی آموزشی متکفل انجام آن خواهند بود، میتواند در این راستا مورد استفاده قرارگیرد. هدف اصلی این برنامه تواناسازی کودکان در بکارگیری تفکر فلسفی در مواجهه با مسائل زندگی است؛ با ابزارهایی مانند: ادبیات، نمایش، عکس، تصویر، نقاشی و بازی کودکان، «فلسفه و کودک»؛ گامی بسوی پیوند فلسفه با جامعه برمی‌دارد. بنابراین با فراهم ساختن شرایط مناسب و استفاده از گزینه‌ها و عناصری که ضمن کارایی، جذابیت لازم را نیز برای کودکان و نوجوانان داشته باشند، زمینه لازم برای کندوکاو شخصی و فعالانه آنها درباره پرسشها و مفاهیم فلسفی فراهم میشود. یکی از تواناییهای فکری ارزشمندی که دانش‌آموزان باید در مدارس کسب کنند این است که شنیده‌ها، خوانده‌ها، اندیشه‌ها و اعتقادهای مختلفی را که در زندگی با آنها

نبود سلسله مراتب و اکتشاف نامحدود باعث میشود فرد بجای انتخاب و گزینش دقیق به «هر جا گزینی» بپردازد و در نتیجه، انتخابهای او اصالت کافی نداشته باشد. در واقع میتوان گفت بخاطر وجود اطلاعات بیشمار و نبود سلسله و نظم مشخص در فضای مجازی و گزینش از میان گزینه‌های بسیار، امکان انتخاب درست به آسانی میسر نیست.

روبرو میشوند ارزشیابی کنند و درباره آنها تصمیمهای منطقی بگیرند. این توانایی ارزنده «تفکر انتقادی» (تفکر نقادانه) نام دارد که این روزها بطور فزاینده‌یی مورد توجه قرار گرفته است؛ زیرا ما همواره با مقدار زیادی اطلاعات، تبلیغات تجاری و سایر انواع تبلیغات مواجه میشویم که درباره آنها باید سبک و سنگین کنیم و سره را از ناسره جدا نماییم.^(۳) بنابراین برای آنکه در آینده افرادی توانمند و دارای آزادی اندیشه و خلاق داشته باشیم، باید آنها را از همان کودکی پرورش دهیم. از اینرو مدارس باید بجای انتقال صرف معلومات و ایجاد محیطهای خشک انضباطی که فقط بازتولید دانش را میطلبد، شرایطی را فراهم کنند تا دانش‌آموزان در تلاش ذهنی برای حل مسائل (تفکر) بتوانند درباره صحت و اعتبار و ارزش اطلاعات و استدلالهای ارائه شده داوری کرده و حقایق و سفسطه در استدلال را تشخیص دهند و قادر به گرفتن تصمیمهای منطقی (تفکر انتقادی) باشند. نتایج حاصل از مطالعه و مرور تحقیقات پیشین نشان داد که در سایه ایمان و عقل و اندیشه میتوان به مدارج عالی انسانیت رسید. مریبان باید تفکر مستقل را پرورش دهند، مهارتهای آنان را سازماندهی کنند و در مسیر حل مسئله آنها را هدایت نمایند و تحلیل نتایج را به آنان بیاموزند؛ چرا که با افزایش تفکر انتقادی میتوان زمینه رشد جامعه انسانی را فراهم آورد. از آنجایی که مدرسه نهاد رسمی تعلیم و

تربیت است، از اینرو، باید محیطی باشد که پرورش فکر و شکوفایی اندیشه شاگردان را موجب شود. متأسفانه، بر اثر گسترش و توسعه مدارس و نظارت ضعیف بر آنها، عادات نامطلوب در آنها حاکم شده است که حتی گاهی بسیاری از مریبان و معلمان بر ضرورت حفظ اینگونه عادات پافشاری میکنند. ساکت نگاه داشتن شاگردان و مجبورکردن آنها به تکرار مطالب، زمینه تعلیم و تربیتی را فراهم میکند که نه تنها تشویق شاگردان به فکر کردن در آن جایی ندارد، بلکه حتی گاهی در ذهن معلمان نیز این باور را تقویت خواهد کرد که فکرکردن نظم جریان آموزشی را بر هم خواهد زد. اگر نظام آموزشی بخواهد تحولی اساسی در روشهای خود پدید آورد، باید در نظر داشته باشد که یکی از مهمترین مسائل، تجدید بنای اندیشه‌ها و باورهای معلم است. علت شکست و ناکامی اکثر معلمان در مقابل نوآوریهای آموزشی، بویژه روشهای پرورش تفکر، باورهای غلط و از پیش ساخته آنان است که بر اثر تکرار، در طول سالهای متمادی، در ایشان تثبیت شده است؛ مثلاً اکثر معلمان بجای اینکه روش آموختن و اندیشیدن را به فراگیران بیاموزند، آنان را در مقابل دانسته‌ها و واقعیتهای علمی قرار میدهند. معلم باید عشق به اندیشیدن را در شاگردان تقویت کند و شیوه اندیشیدن را به آنان بیاموزد.^(۴) بنابراین اتخاذ روشهایی که انگیزه و علاقه دانش‌آموزان را تقویت کرده و با ایجاد چالش در فرایندهای فکری، منفعل و محتاط بودن را به تبادل نظر و تفکر فعال تغییر دهد، امری ضروری است. هدایتی با اجرای برنامه فلسفه برای کودک برای بیش از ۲۰۰ دانش‌آموز دختر و پسر سوم تا پنجم دبستان، نشان داد که فراگیران در بهبود روابط میان فردی تغییر چشمگیری داشته‌اند؛ به طوری که این تغییرات از چشم آموزگاران نیز دور نماند و در واقع پس از شرکت در این دوره، دانش‌آموزان کمتر به مشکلات میان فردی با سایرین پرداختند و قبول داشتند که برای بهبود قضاوت در

روابطشان بهتر است بجای نزاع به گفتگو بنشینند.^(۵) خطیبی مقدم در سال ۱۳۸۸ به بررسی تأثیر برنامه فلسفه و کودک در مهارتهای گفتگویی دانش‌آموزان پرداخت و نشان داد که توانایی افراد در گفتگو و مهارتهای گفتگویی اکتسابی است و درگرو پرورش تفکر و روحیه احترام به دیگری است. برای ارزیابی میزان موفقیت برنامه، نمونه کوچکی از دانش‌آموزان دختر دبستانی، در یک دوره یازده جلسهای، تحت آموزش فلسفه و کودک قرار گرفتند. در این مدت، رفتار و عملکرد کودکان به روش کیفی (مشاهدات مربی، والدین و معلمان) بررسی شد. تحلیل یافته‌های حاصل از پژوهش نشان داد که مهارتهای گفتگویی کودکان پس از گذراندن این دوره افزایش چشمگیری یافته است. آنها در پایان این دوره میتوانند بخوبی به سخنان یکدیگر گوش فرادهند، برای سخن گفتن نوبت را رعایت کنند و حرف یکدیگر را قطع نکنند. همچنین آنها این توانایی را پیدا کردند که از ادعاهای خود با دلایل منطقی دفاع کنند، نظریات یکدیگر را به چالش بکشند و از یکدیگر برای ادعایشان دلیل بخواهند. پس از گذشت چند جلسه از کلاس، بتدریج رفتارهای مشارکتی و همکارانه، جایگزین رفتارهای رقابتی و خصمانه شد و آنان درک کردند که آنچه در گفتگو اهمیت دارد، تلاش مشترک و جمعی برای یافتن حقیقت است. همچنین، آنها با تداوم گفتگوهای فلسفی، به درک عقلانی قوانین و هنجارهای اخلاقی گفتگو دست یافتند و حتی، پس از چند جلسه، خودشان قوانین اخلاقی جدیدی را برای تعاملاتشان وضع کردند. آنها، طی گفتگو با یکدیگر در حلقه کدوکاو فلسفی، بتدریج توانایی تصحیح و اصلاح داوریهای خود را نیز بدست آوردند.^(۶)

مفهوم و ماهیت تفکر

تفکر، اصطلاحی است که در میان عامه مردم کمابیش رواج دارد و همه آن را بنوعی بکار میبرند، گرچه ممکن

است برداشت درستی از آن نداشته باشند. با بررسی تعاریف مختلف میتوان نتیجه گرفت که تفکر در مفهوم وسیع کلمه بمعنای جستجوی شعور و آگاهی است، شعوری که هم معطوف به دستیابی به معرفت موجود و ارزشیابی آن است و هم معطوف به تولید معرفت جدید. دیدگاههای مختلفی درباره تفکر وجود دارد دیدگاهی که معتقد است تفکر امری واحد نیست و در ابعاد و انواع گوناگون و به شکلهای مختلفی بروز میکند و دارای ماهیتهای متفاوتی است. طرفداران این دیدگاه اغلب بجای تعریف و تحلیل تفکر، به ابعاد و انواع آن توجه دارند و آن را به اجزاء مختلفی مانند تداعی آزاد، خیال‌بافی، تفکر عملی، تفکر منطقی، حل مسئله، تفکر خلاق و تفکر انتقادی تقسیم میکنند. گیلفورد در تحلیل تفکر تحت عنوان «عملیات ذهنی» آن را به دو مقوله متمایز از هم تقسیم میکند: تفکر همگرا که روابط و مشابهتها را پدید می‌آورد و تفکر واگرا که تفکری خلاق و زیاست.^(۷)

تفکر انتقادی

درباره تفکر انتقادی، تعاریف متعددی مطرح شده است. پائول^۱، الدر^۲ و بارتل^۳ در بررسی تاریخی خود، ریشه تفکر انتقادی را در عهد باستان و سخنان سقراط^۴ یافته‌اند که میگوید: «جهان ارزیابی نشده، ارزش زیستن ندارد». سقراط در نظر و عمل به شیوه‌های جستجوگری و کاوش معتقد بود و در تدریس خود با استفاده از شیوه بازپرسی^۵، بمنظور شکوفایی تفکر انتقادی در شاگردانش میکوشید. پس از وی، افلاطون^۶ به عنوان یک پیرو وفادار، در آثار خود به ثبت نظرها و شیوه‌های تدریس سقراط نمود. در این سیر تاریخی،

1. Paul
2. Elder
3. Bartel
4. Socrates
5. Cross-Examined
6. Plato

میتوان به دانشمندانی مانند توماس آکویناس^۱ در قرون وسطی، فرانسیس بیکن^۲ در رنسانس، دکارت^۳ در قرن پانزدهم میلادی، هابز^۴ و لوک^۵ در قرون شانزدهم و هفدهم میلادی، بایل^۶، مونتسکیو^۷، ولتر^۸ و دیدرو^۹ در قرن هجدهم میلادی اشاره کرد که در تعاریف و اظهارات آنان بیش از هر چیز بر استدلال، نقد و تحلیل تأکید شده است. در قرن نوزدهم میلادی مفهوم تفکر انتقادی، گسترده‌تری پیدا کرد و اندیشمندان مختلفی، آن را در زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، علمی و فرهنگی جوامع بشری بکار گرفتند. قرن بیستم با تلاش نظریه‌پردازان برای طرح تعاریفی جامع‌تر، مستدل‌تر، عملی‌تر و خاص‌تر نسبت به تفکر انتقادی همراه است.

از متداول‌ترین تعاریفها در این زمینه، تعریف انیس^{۱۰} است. مارزینو^{۱۱} و همکارانش^(۹) از قول وی اینگونه نقل میکنند: «تفکر انتقادی، تفکری مستدل و تیزبینانه درباره این نکته است که چه چیزی را باور کنیم و چه اعمالی را انجام دهیم.» همچنین انیس در بحثهای خود درباره تفکر انتقادی، آن را زمانی عقلانی میدانند که متفکر میکوشد مباحث را به دقت تجزیه و تحلیل کند و شواهد و مدارک معتبر را جستجو نماید و به نتیجه نهایی معقول برسد.^(۱۰) آنچه در تعریف مایرز در مقایسه با دیگر تعاریف مطرح شده، خاص‌تر است. اشاره وی به «عدم هیجان عاطفی در هنگام روبرو شدن با مسئله» بعنوان یکی از عناصر مطرح در تفکر انتقادی است. بعبارت دیگر، نگاه مایرز به تفکر انتقادی، نوعی روانشناختی نیز هست و او

1. Thomas Aquinas
2. Francis Bacon
3. Descartes
4. Hobbes
5. Locke
6. Bayle
7. Montesquieu
8. Voltaire
9. Didero
10. Ennis
11. Marzano et al

به توانایی روحی افراد در برخورد با مشکلات، بعنوان عاملی اثرگذار بر تفکر انتقادی تأکید دارد.

گفتمنی است آراء اندیشمندان ایرانی نیز در این خصوص اهمیت دارد: دیانی^(۱۱) خمیرمایه تفکر انتقادی را تکاپویی ذهنی و جستجو در اندیشه‌های نوشته و نانوشته برای دستیابی به نتیجه‌ی معتبر و مفید دانسته و معتقد است اینگونه تفکر، آمیزه‌ی از تفکر خلاق، تفکر منطقی و تفکر مسئله‌گشا است.^(۱۲) تفکر انتقادی را شیوه‌هایی از تفکر تعریف کرده است که به شک در مورد ماهیت وجود عناصر و پدیده‌های ناشناخته میپردازد و آنها را با دانسته‌ها و شواهد مقایسه میکند و سرانجام با توجه به تمام جنبه‌ها، به نتیجه‌گیری مبتنی بر واقعیت مینشیند. او همچنین می‌افزاید دانسته‌ها و شواهد کمک میکنند تا منطق شکل گیرد و بر اساس آن، پاسخ لازم برای سؤال بدست آید. فرد از راه دیدن، مطالعه، ارتباط یا استدلال، اطلاعات و شواهد را جمع‌آوری میکند و با فرضیات خود مقایسه کرده و به نتیجه منطقی میرسد. از دیگر سو، عباسی^(۱۳) از علی شریعتمداری نقل میکند که نقد و بررسی انتقادی، بخش اساسی روش تحقیق است. در حقیقت، انسان در تمامی مراحل زندگی خود، از این نوع تفکر بینا نیاز نبوده و نیست؛ زیرا این نوع تفکر، بر تعامل میان دانسته‌های جدید و پیشین مبتنی است و انسان در رویارویی با مشکلات و مسائل خود، با استفاده از این نوع تفکر و مقایسه و تجزیه و تحلیل آنچه سبب‌ساز مشکلات وی شده است، برای رفع معطلات پیش‌آمده اقدام میکند. ازاینرو، میتوان گفت همه انسانها بنوعی از تفکر انتقادی سود می‌جویند؛ زیرا بدون آن، زندگی بشر تا به امروز دوام نمی‌آورد. با توجه به نظریه پیازه درباره رشد ذهنی انسان، میتوان گفت نخستین طلعه‌های ظهور این نوع تفکر در انسان، به هفت سالگی و بعد از آن مربوط میشود؛ زمانی که کودک میکوشد در رویارویی با



ناشناخته‌های پیرامون خود، آنها را با تجربه‌های هر چند ناچیز خویش مقایسه کند.

فضای مجازی یا سایبر چیست؟

سایبر^۱ واژه‌یی است برگرفته از «kybernetes» بمعنای سکاندار یا راهنما. نخستین کسی که واژه «فضای سایبر» را بکار برد، ویلیام گیسون^۲ نویسنده داستانهای علمی - تخیلی، در کتاب نورومنسر^۳ بود. فضای سایبر یا فضای مجازی^۴ در تعریف برخی نویسندگان عبارت است از: «مجموعه‌یی از ارتباطات درونی انسانها از طریق رایانه و دیگر وسایل مخابراتی بدون در نظر گرفتن جغرافیای فیزیکی.» البته شاید بهتر باشد آن را چنین تعریف کنیم: «یک محیط الکترونیکی واقعی که ارتباطات انسانی به شیوه‌یی سریع، فراتر از مرزهای جغرافیایی و با ابزار خاص خود، در آن، زنده و مستقیم روی میدهد.» قید «واقعی»، مانع از این است که تصور شود مجازی بودن این فضا بمعنای غیر واقعی بودن آن است؛ چرا که در این فضا نیز همان ویژگیهای تعاملات انسانی در دنیای خارج - همچون مسئولیت - وجود دارد. ضمن اینکه فضای سایبر در واقع یک «محیط» است که ارتباطات در آن انجام میشود، نه صرف مجموعه‌یی از ارتباطات. از سوی دیگر، این ارتباطات گرچه ممکن است در همه حال «بر خط»^۵ نباشد، ولی زنده، واقعی و مستقیم است. از اینرو، تأثیر و تأثر بالایی در این روابط رخ میدهد.

فضای مجازی، نسل جدیدی از فضای روابط اجتماعی هستند که با اینکه عمر خیلی زیادی ندارند، توانسته‌اند بخوبی در زندگی مردم جا باز کنند. مردم بسیاری در سنین مختلف و از گروه‌های اجتماعی متفاوت در فضای مجازی کنار هم آمده‌اند و از فاصله‌های بسیار دور در دنیای واقعی،

برای آنکه در آینده افرادی توانمند و دارای آزادی اندیشه و خلاق داشته باشیم، باید آنها را از همان کودکی پرورش دهیم. از اینرو مدارس باید بجای انتقال صرف معلومات و ایجاد محیطهای خشک انضباطی که فقط بازتولید دانش را میطلبد، شرایطی را فراهم کنند تا دانش‌آموزان در تلاش ذهنی برای حل مسائل (تفکر) بتوانند دربارهٔ صحت و اعتبار و ارزش اطلاعات و استدلالهای ارائه شده داوری کرده و حقایق و سفسطه در استدلال را تشخیص دهند و قادر به گرفتن تصمیمهای منطقی (تفکر انتقادی) باشند.

از این طریق با هم ارتباط برقرار میکنند. امروزه روشهای ارتباطی با دیگران از طریق اینترنت افزایش یافته است. پست الکترونیک، پیامهای کوتاه، چت رومها، وب پایگاهها و بازیها، روشهایی برای گسترش و حفظ روابط اجتماعی شده‌اند. روزانه نزدیک به چهارصد میلیون نفر در سراسر دنیا از اینترنت استفاده میکنند و یکی از کاربردهای اصلی اینترنت، برقراری ارتباط اجتماعی با دیگران است. شاید عیب اصلی ارتباطهای اینترنتی آن است که در فضای مجازی، ارتباط اساساً بر متن استوار است و بنابراین، از نشانه‌های بصری و شنیداری در تعاملهای رو در رو بی‌بهره است. به روز شدن، برقراری ارتباط با جهان، آزادی بیشتر، یافتن پاسخ سؤالات مختلف، پرداختن به انواع بازیها، دانلود آهنگ و نرم‌افزارها از فرصتهایی است که استفاده از فضای مجازی را توجیه میکند. از طرفی اعتیاد به فضای مجازی، درگیر شدن در برخی مسائل غیراخلاقی، بی‌رنگ شدن تعهد و مسئولیت ناشی از گمنامی و کاهش ارتباط با خانواده از جمله تنگناهایی است که فضای مجازی با خود به‌همراه دارد.

1. cyber
2. William Gibson
3. Neuromancer
4. cyber space
5. on line

- قضاوت درباره نتیجه‌گیری
- قضاوت درباره صراحت مهارتها
- قضاوت درباره کاربرد اصل خاصی در مهارتها
- قضاوت بر اعتبار مشاهده‌ها
- قضاوت درباره تأیید نتایج استقرائی
- قضاوت بر صریح و روشن کردن مسئله
- قضاوت درباره مفروضات
- قضاوت درباره کفایت تعریف
- قضاوت درباره پذیرش عبارتها

آرپ^(۱۷) بنقل از نورمن گرونلوند^۲، به بیان چگونگی مهارتهای مناسب تفکر انتقادی در چارچوبی از تئوریهای رفتاری می‌پردازد. بگفته گرونلوند، بالاترین مهارتهای تفکر مانند تفکر انتقادی، بخشی از سه گروه طبقه‌بندی شده تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزیابی است. تجزیه، توانایی شکستن مواد به اجزاء تشکیل‌دهنده‌شان است؛ بگونه‌یی که ساختار سازمانیشان قابل فهم باشد. ترکیب، به توانایی قرار دادن بخشها با یکدیگر برای شکل دادن به یک کل جدید گفته میشود و ارزیابی، مربوط به توانایی قضاوت درباره ارزش مواد برای هدف مطرح شده است.^(۱۸)

کودک و تفکر انتقادی

بر اساس تعاریف بیان شده از تفکر انتقادی، انسان در هر مرحله از زندگی، با توجه به مسائل پیش روی خود، از این نوع تفکر بارها استفاده میکند. در حقیقت، توان حل مسائل زندگی، به توانایی انسان در بکارگیری این نوع تفکر در زمان لازم وابسته است. اینکه انسان از چه سنی شروع به تفکر میکند، سؤالی است که به آن پاسخهای متعددی داده شده است. معروفترین نظریه درباره رشد ذهنی - اجتماعی کودک، نظریه پیاژه است. از دیدگاه پیاژه، رشد ذهنی - اجتماعی کودک در چهار مرحله شکل

امروزه فناوری جزئی جدایی‌ناپذیر از زندگی انسان شده است و بسیاری از امور بشری بدون دخالت و حضور این مقول امکانپذیر نمیشد. از جمله فناوری اطلاعات که روزبروز میزان نفوذ و گسترش آن در جامعه بیشتر میشود و انسان امروزی می‌رود که بطور کلی در یک فضای فناورانه‌یی قرارگیرد. با اعتقاد فلوریدی^(۱۴) بینش هستی‌شناسانه انسان در این عصر تغییر کرده و ما علاوه بر جهان مادی، یک جهان غیرفیزیکی و دیجیتال که همان حضور در فضاها و وب میباشد را تجربه میکنیم. از آنجا که اینترنت کاربردهای گوناگونی دارد، میتوان گفت تقریباً هم اقشار جامعه در زمینه‌های گوناگون جزء کاربران اینترنت میباشند؛ از جمله نوجوانان و دانش‌آموزان. همچنین روشن است که اینترنت مانند هر فناوری دیگری دارای تأثیرات خاصی میباشد و در نتیجه توجه به نقش و تأثیرات آن ضروری بنظر میرسد. بویژه نسل نوجوان و جوان که در حال شکل دادن به هویت و شخصیت خود هستند، بیشتر از سایرین تحت تأثیر اینترنت و ابعاد مختلف آن میباشند. فضای اینترنت بخاطر وسعت و حجم مطالب امکان تأمل و تفکر را کاهش میدهد و وقتی انسان توانایی تفکر و تأمل نداشته باشد تفکر و اندیشه او توسط دیگران تعیین میشود.^(۱۵)

مهارتهای تفکر انتقادی

متخصصان، از مهارتهای تفکر انتقادی، توصیفهایی گوناگون داشته‌اند که میتوان به دسته‌بندی دوازده‌تایی انیس^(۱۶) اشاره کرد که برای نخستین بار در سال ۱۹۹۶ م مطرح شد. بر اساس این دسته‌بندی، تفکر انتقادی، شامل دوازده عنصر است که توجه به بهبود آنها میتواند فرایند تفکر انتقادی را توسعه دهد. این دوازده عنصر عبارتند از:

- درک معنای یک عبارت
- قضاوت درباره وجود یا عدم وجود ابهام در استدلال
- قضاوت درباره تناقضهای موجود در عبارات

1. Arp
2. Norman Gronlund

میگیرد. از نظر وی این رشد، از بدو تولد آغاز میشود و تا پانزده سالگی -یعنی سال ورود کودک به نوجوانی- ادامه مییابد. این مراحل عبارتند از:^(۱۹)

۱. مرحله حسی - حرکتی (از بدو تولد تا دو سالگی):
کودک در این مرحله، هنوز برای حوادث، پیوندی درونی تشخیص نمیدهد و نمیتواند به تعقل پردازد.

۲. مرحله پیش عملیاتی (از دو تا هفت سالگی): رشد عقلی سرعت میگیرد، ولی تعقل هنوز تعقل پیش منطقی است. فرد در این مرحله، از درک مفاهیم مجرد ناتوان است و از راه جذب، یعنی افزودن اطلاعات تازه به آنچه پیش از این فراگرفته است و نیز از راه انطباق، یعنی ارتقای درک خود برای انطباق دادن دانسته‌های پیشین با وضعیت جدید، بر اطلاعات و دانش خویش می‌افزاید. در این مرحله، کودک خودمحمور است.

۳. مرحله عملیات عینی (از هفت تا حدود یازده سالگی): در این مرحله، کودک هنوز از طریق تجربه عینی و انضمامی، از جمله رویارویی با اشکال هنری، بهتر فرامیگیرد. همچنین، بازی و مشارکت فعال، نقش مهمی در آموزش و یادگیری وی دارد.

۴. مرحله عملیات صوری (از حدود یازده تا حدود پانزده سالگی): در این مرحله، تعقل یا عبارتی تعقل منطقی شکل میگیرد. بتدریج، ذهن کودک، توانایی درک مفاهیم انتزاعی را بدست می‌آورد و ظرفیتهای او در هر نوع یادگیری و شناخت کامل میشود.

مایرز^۱ درباره نظریه پیاژه میگوید: تأکید وی بر این است که کودک، بصورت انفعالی دانش نمی‌آموزد، بلکه از راه فعالیتها به آن دست مییابد. کودک در تماس متقابل با محیط روانی و فیزیکی خود، دست به آفرینش چیزی میزند که پیاژه از آن بعنوان «ساختهای ذهنی» یاد میکند. این ساختها، بچه‌ها را برای سازمان دادن تجربه‌های و

متأسفانه بر اثر گسترش و توسعه مدارس و نظارت ضعیف بر آنها، عاداتی نامطلوب در آنها حاکم شده است که حتی گاهی بسیاری از مربیان و معلمان بر ضرورت حفظ اینگونه عادات پافشاری میکنند. ساکت نگاه داشتن شاگردان و مجبورکردن آنها به تکرار مطالب، زمینه تعلیم و تربیتی را فراهم میکند که نه تنها تشویق شاگردان به فکر کردن در آن جایی ندارد، بلکه حتی گاهی در ذهن معلمان نیز این باور را تقویت خواهد کرد که فکرکردن نظم جریان آموزشی را برهم خواهد زد.

هدایت کنش و واکنشهای آینده‌شان کمک میکند و پیاژه آنها را روشهای حل مسئله یا دستور کار برای هدایت رفتار میداند. بدیهی است که در رویارویی با محیط بیرونی، بتدریج این تجربه‌ها و دستور کارها دست خوش چالش میشود و در این زمینه لاونسن^۲ و رینر^۳ معتقدند بدلیل انگیزه فطری کودک به کنش متقابل با محیط، وی با تناقضها روبرو میشود و این تناقضها، حالت عدم تعادل را در وی ایجاد میکند. بعبارت دیگر، ساختهای موجود کودک، ناقص تشخیص داده میشود که باید اصلاح یا جایگزین شود.

با توجه به آنچه گفته شد، کودک برای ایجاد تغییر در ساختارهای ذهنی خود، باید بتواند بطور منطقی، ارتباط میان عبارات، داده‌ها، تضادها و بحثها را دریابد و با مقایسه و قضاوت مستدل، به بررسی پدیده‌های پیرامون خود پردازد و با انعطاف‌پذیری ذاتی خود، ساختارهای ذهنی خویش را تغییر دهد و این همه، به تفکر انتقادی نیاز دارد. بدیهی است که کودک برای رسیدن به این سطح از تفکر، نیازمند آموزش است؛ آموزشی که از خانه و زیر نظر

2. Lawson
3. Renner

1. Meyers

والدین، آغاز شده و در مدرسه و دیگر مراکز آموزشی ادامه مییابد. با ورود کودک به هفت سالگی و آغاز مراحل آموزش رسمی، وی خود را برای رویارویی جدیتر با محیط پیرامونش آماده میکند.

لیزا مد^۱ برای زدودن تأکید آموزش رسمی بر حفظ کردن مطالب درسی و ارائه آنها در چارچوب آزمونهای چهار جوابی، معتقد است که آثار عقلایی، بر پایه عناصری استوارند که خود شامل پنج مفهوم خواندن، نوشتن، شنیدن، گفتن و اجرا کردن است. این پنج مفهوم کمک میکنند کودکان، مطلب را بطور درونی درک کرده و یاد بگیرند. به این ترتیب، کودک میتواند از خود پرسد: مفهوم حقیقی آن مطلب موردنظر چیست؟ آیا میتوانم آن را برای فرد دیگری شرح دهم؟ آیا میتوانم آن را با مثالی، با تجربه‌های خود مرتبط سازم؟ اگر این درست است، چه چیز دیگری ممکن است درست یا حقیقی باشد؟ بر این اساس، کودکان امروز به بزرگسالانی تبدیل خواهند شد که میتوانیم آنان را متفکر انتقادی بدانیم؛ متفکرانی که با دیدی شکاک به نقد بنشینند و با بررسی، مقایسه و تحلیل داده‌ها و ایده‌های گوناگون، به مناسبترین نتیجه دست یابند.^(۲۰)

مهارتهای مناسب برای تقویت تفکر انتقادی

روانشناسان در سالهای اخیر برغم ارائه دیدگاههای مختلف در زمینه تفکر انتقادی، درباره مفهوم و بعضی از مهارتهای آن تقریباً به توافق رسیده‌اند.^(۲۱) پرکینز بر توانایی تشخیص مسئله و اجتناب از گرایش به تعصب در استدلال و بکارگیری دانش در مقاصد خاص تأکید می‌ورزد. نیدلر^(۲۲) در توصیف و تحلیل تفکر، به مهارتهای خاص ذیل اشاره میکند و معتقد است اینگونه مهارتها برای تقویت تفکر انتقادی ضروری هستند:

الف) تعریف و شفاف‌سازی مسئله، شامل:

۱. تشخیص دیدگاههای اصلی یا مسئله: توانایی تشخیص ایده اصلی در مقاله، مباحثه یا فیلم، یا توانایی تشخیص دلایل و نتایج مباحثه.

۲. مقایسه شباهتها و تفاوتها: توانایی مقایسه تشابهات و تفاوتهای چند اندیشه، شیء، فرد یا موقعیت در زمانی خاص یا در زمانهای مختلف.

۳. تشخیص اطلاعات مربوط به مسئله: توانایی تشخیص اطلاعات مربوط و نامربوط یا قابل بررسی و غیرقابل بررسی درباره مسئله مورد نظر.

۴. تنظیم سؤالات مناسب: توانایی تنظیم سؤالاتی که به فهم عمیقتر و روشنتر دیدگاه یا موقعیت منجر میشود.

ب) قضاوت درباره اطلاعات مربوط به مسئله، شامل:

۱. تمایز میان حقیقت، عقیده و قضاوت مستدل: توانایی بکارگیری معیار علمی برای تعیین کیفیت مشاهده، استنتاج و قضاوت.

۲. بررسی انطباق مفاهیم: توانایی تشخیص توافق و سازگاری مفاهیم و بافت اطلاعات با یکدیگر؛ مثلاً آیا نکات مختلف مطرح شده در بحث سیاسی بطور منطقی با هم و با دیدگاه اصلی مطرح شده توافق و سازگاری دارند یا خیر؟

۳. تشخیص مفروضات بیان نشده: توانایی تشخیص مفروضاتی که با صراحت بیان نشده است.

۴. تشخیص چارچوبها و کلیشه‌های ثابت: توانایی تشخیص عقاید کلیشهای ثابت درباره افراد، گروه یا ایده‌ها.

۵. تشخیص عوامل احساسی، تبلیغاتی و مطالب سوگیری شده: توانایی تشخیص سوگیریهای مواد نوشتاری و تصویری و اعتبار منابع.

۶. تشخیص نظامهای ارزشی و جهان‌بینیهای متفاوت: توانایی تشخیص تشابهات و تفاوتها میان نظامهای ارزشی و جهان‌بینیهای متفاوت.



ج) حل مسئله یا استخراج نتایج، شامل:

توانایی تصمیمگیری درباره کفایت اطلاعات بدست آمده درباره کیفیت و کمیت، بدست آوردن نتایج، فرضیه‌های تنظیم شده، تصمیمگیری و تعمیم.

۱. پیش‌بینی نتایج احتمالی: توانایی پیش‌بینی یک رخداد یا رخداد‌های مختلف.

تفکر انتقادی در رشته‌های مختلف باید به شیوه‌های گوناگون توسعه یابد. نمیتوان دستورالعمل ثابتی را برای آموزش و پرورش تفکر انتقادی در تمام رشته‌ها صادر کرد. اما آنچه بیشتر متخصصان بر آن اتفاق نظر دارند این است که مهارت‌های تفکر انتقادی هنگام بحث و تبادل اندیشه و حل مسئله به بهترین وجه پرورش می‌یابد.^(۲۳) اگر آگاهانه یا ناآگاهانه جلوی محاوره را سد کنیم، جلوی خلاقیت هم مانع ایجاد کرده‌ایم. زمانی که گفتگوی آزاد بین افراد در باب مسائل مختلف شکل بگیرد، تا حدی باعث روشنگری یکدیگر و خلاقیت میشود.^(۲۴)

آموزش مهارت‌های ذهنی: زمانی توانایی دانش‌آموزان یا دانشجویان افزایش می‌یابد که معلمان توانایی آنها را با آموزش تفکر انتقادی تقویت نمایند. یکی از راه‌های تقویت مهارت‌های انتقادی، توجه به مهارت‌های ذهنی است. این مهارت‌ها شامل موارد زیر هستند:

- **تفکر مستقل:** مربیان و والدین میتوانند فرزندان خود را با تفکر مستقل پرورش دهند؛ مانند اجازه دادن به آنها برای درگیر شدن مستقیم با مسائل و تلاش برای حل آنها بجای پاسخ‌دهی سریع و بدون تفکر.

- **سازماندهی:** مربیان و والدین میتوانند با ارائه الگو به دانش‌آموزان در سازماندهی مهارت‌ها، مواد و امکانات و نتایج کمک کنند.

- **استنباط:** هدایت دانش‌آموزان برای پی بردن به معنای هر چیزی بجای توجه به ظواهر آن. این مسئله

میتواند منبع بسیار خوبی برای تحلیل معانی و استفاده از مهارت‌های عملی برای رسیدن به نتایج مورد نظر باشد.

پیش‌بینی نتایج: دانش‌آموزان باید بیاموزند که همواره به مافوق توقعات و انتظارات خود بیندیشند و این امر از طریق چگونگی شروع و پایان سؤالاتی که مرتبط با موضوعات گوناگون است میتواند در پیش‌بینی نتایج به فراگیران کمک کند.

- **اعتبار و بی‌اعتباری دلایل و استدلالها:** فراگیران نیاز دارند تفاوت میان این دو امر را درک کنند. آنها نیازمندند که بیاموزند چگونه عوامل را شناسایی و دلایل را اثبات کنند و بدینوسیله یک امر معتبر بسازند. همچنین نیازمند شناخت یک بحث غیرمعتبر هستند که بدلیل عدم وجود مدارک کافی و عبارات حمایت‌کننده میباشد. فراگیران با نشان دادن نقاط قوت و ضعف و مشاهده تفاوت‌ها، میتوانند به یک امر معتبر برسند.

- **تکنیک‌های حل مسئله:** مربیان میتوانند دانش‌آموزان را در مسیر حل مسئله هدایت کنند و فراگیران این امر را در مسائل و مشکلات آموزش در حوزه‌های مختلف علمی تجربه میکنند. پس در این زمینه، بهتر است فرصت کافی برای طی مراحل فوق به آنها داده شود.

- **بینش و بصیرت:** دانش‌آموزان نیازمندند که یاد بگیرند نتایج چگونه بدست آمده و بتوانند آن را تحلیل کرده و اجرا کنند.^(۲۵)

آموزش تفکر انتقادی در چارچوب فعالیتهای کلاسی

فعالیت‌های کلاسی که در پرورش تفکر انتقادی نقش دارند عبارتند از:

سخنرانی: تفکر انتقادی از طریق سخنرانی نیز پرورش می‌یابد. میتوان با قطع سخنرانی در طی فواصل مشخص و طرح سؤالات و دادن زمان مناسب برای پاسخدهی به فراگیران کمک کرد و از آنها پرسید برای پاسخگویی به

تفکر در مفهوم وسیع کلمه بمعنای جستجوی شعور و آگاهی است؛ شعوری که هم معطوف به دستیابی به معرفت موجود و ارزشیابی آن است و هم معطوف به تولید معرفت جدید.

سؤالات چه اطلاعاتی لازم است و این اطلاعات از کجا بدست می‌آید؟ سپس فراگیران را هدایت کرد تا از این اطلاعات بهره بگیرند.

سؤال کردن: برای آموزش تفکر انتقادی میتوان از تکنیک سؤال کردن در سطوح مختلف شناختی استفاده کرد که عبارتند از:

- بررسی درک و فهم دانش‌آموزان توسط سؤالاتی از نوع (مقایسه‌یی، متناقض، نمایشی، توضیح، توصیف، تفسیری)

- بررسی میزان استفاده از تکنیکهای یاد گرفته شده
- تحلیل اطلاعات بدست آمده
- حل یک مسئله یا موقعیت توسط ترکیب عناصر به شیوه جدید یا ارائه راه‌حلهای متفاوت
- قضاوت در مورد دلایل و نتایج

آزمایش: بسیاری از دروس علوم دارای آزمایشگاههایی جهت فعالیتهای عملی میباشند. فعالیتهای آزمایشگاه علوم همگی برای آموزش تفکر منتقدانه مناسب هستند.

تکالیف: شامل تکالیف خواندنی و کتبی

تمرینهای کمی: حل مسئله، تفکر نکته‌سنجانه و دقیقی است. بنابراین واحدهای درسی مانند ریاضی، فیزیک و شیمی که نیاز به حل مسئله دارند بطور اتوماتیک تفکر نکته‌سنجانه‌یی را فقط با پیروی از برنامه‌های آموزش سنتی می‌آموزند.

آزمونها: آزمونها باید مستلزم دست‌کم نوشتن و فکر کردن باشند. سؤالات تشریحی با پاسخهای کوتاه یا بلند راه‌حل واضحی برای تفکر هستند.

خواندن منتقدانه: دانش‌آموزان با خواندن مطالب، بر روی عناوین تفکر میکنند و آن را تجزیه و تحلیل مینمایند. خواندن منتقدانه یعنی توصیف ارزش خواندن، ترسیم نتایج و رسیدن به آنکه در واقع پایه و اساس این استدلال میباشد.

نوشتن: در دوره‌های مختلف، تأکید بر آموزش تفکر در نوشتن بر اساس استدلال، حفظ و نگهداری مطالب و مفاهیم میباشد.

روشهای تدریس: برای اینکه افراد خوب تربیت شوند باید خلاق، نقاد و دارای آزادی اندیشه باشند. در برنامه‌های مدارس، باید روشهایی گنجانده شود که از طریق آنها فراگیران چگونه آموختن را از طریق نظم فکری بیاموزند و در زندگی روزمره خود بکارگیرند.^(۲۶)

نتیجه‌گیری

انسان تنها موجودی است که داعیه اندیشمندی دارد و بمدد همین امکان، فرصت آموزش و یادگیری در بعد فردی و اجتماعی برایش فراهم میشود. یکی از عرصه‌هایی که بطور جدی در اعتلای تفکر انسانی مؤثر واقع گشته، فلسفه و تفکر فلسفی است؛ زیرا فلسفه، دانش پرسش است و پرسش بیانگر حیات عقلانی بشر. اگرچه حضور فلسفه در زندگی انسان، چیز تازه‌یی نیست، اما آنچه امروزه اهمیت ویژه‌یی یافته و بعنوان یک امکان جدید در آغاز راه است، تلاش برای همگانی ساختن فلسفه و ویژه آموزش آن به کودکان است؛ آموزشی که کارکردهای مؤثر آن از همان ابتدا متوجه زندگی شخصی کودک و در مراحل بعدی منجر به بهره‌مند شدن هرچه بیشتر او از فرصتهای مادی و معنوی در زندگی میشود و در مجموع ارتقای سطح فرهنگ جامعه را بدنبال خواهد داشت. ایجاد تفکر انتقادی که جزء جدایی‌ناپذیر هر نظام آموزشی است را میتوان از



اهداف اساسی تعلیم و تربیت در سطح جهانی دانست. بدلیل آنکه گرایش افراد به تفسیر اطلاعات در یادآوری اطلاعات نیز تأثیر میگذارد، اتخاذ روشهایی که انگیزه و علاقه دانش‌آموزان را تقویت کرده و با ایجاد چالش در فرایندهای فکری، منفعل و محتاط بودن را به تبادل نظر و تفکر فعال تغییر دهد، امری ضروری است. در اغلب مدارس فقط بر روی مهارتهای خواندن و نوشتن و حساب کردن تأکید میشود؛ درحالی که این مهارتها ذاتاً دارای ارزش نیستند و در تعلیم و تربیت تهی از فضیلتند.

یکی از اهداف اساسی تعلیم و تربیت در سطح جهانی ایجاد تفکر انتقادی است. اندیشمندان درباره مهارتهای تفکر انتقادی، آراء و عقاید مختلفی دارند، ولی آنچه در همه آنها بچشم میخورد توجه این اندیشمندان به توانایی افراد در امر تجزیه و تحلیل، ارزیابی و مقایسه و سرانجام، نتیجه‌گیری و تصمیمگیری است. در دنیای کنونی، با توجه به پیشرفتهای ایجاد شده در فناوری و فضای مجازی و با عنایت به اینکه بیشترین کاربران این امکانات جوانان و نوجوانان هستند باید تدابیری اندیشیده شود تا با آموزشهای درست در دوران کودکی، افراد برای مقابله با دنیایی که ورود ناآگاهانه به آن ممکن است چالشهایی در دوران بعدی برایشان ایجاد کند، آمادگی و آگاهی لازم را داشته باشند. لازمه داشتن کودکان منتقد و آگاه که بتوانند مستقل از حضور والدین و مربیان، به نتایج مطلوب دست یابند و در تصمیمگیریهای خود دچار انحراف نشوند، آموزش این مهارتها به آنان است.

وظیفه این آموزش نیز پس از والدین، برعهده مربیان است. به این منظور، باید محتوای متون آموزشی نیز تغییر یابد و از آموزش مطالب محور بطور صریح، بسوی آموزش متفکرانه حرکت کند؛ آموزشی که ذهن کودک را درگیر پرسش و یافتن پاسخ و مقایسه و ارزیابی پاسخها با دیگر پاسخهای محتمل کند. آگاهی دادن کودکان از شرایط

فضای مجازی، افزایش قدرت نقد آنان، داشتن معیارهای مشخص و دقیق برای شناخت مطالب و سایتهای معتبر و غیرمعتبر، برقراری ارتباط صمیمی با کودکان از سوی معلمان و والدین از جمله موارد پیشنهادی این پژوهش برای کاهش آسیبهای فضای مجازی و هدایت بهتر آنان در استفاده مناسب از اینترنت میباشد.

پی‌نوشتها:

1. Dreyfuss, H., "Anonymity versus Commitment: the Dangers of Education on the Internet", *Educational Philosophy and Theory*, vol. 34, No 4, pp. 369-378.

۲. پیری سارامانلو، محمد، «نقش و جایگاه اینترنت در زندگی

دانش‌آموزان؛ فرصتها و تنگناها»، ماهنامه پژوهش ملل، ش ۸.

۳. سیف، علی‌اکبر، روان‌شناسی پرورشی نوین، روانشناسی یادگیری

و آموزش.

۴. شعبانی، حسن، مهارتهای آموزشی و پرورشی: روشها و فنون

تدریس.

۵. هدایتی، مهنوش، «بررسی تأثیر اجرای برنامه «فلسفه برای

کودکان به صورت اجتماع پژوهشی بر بهبود روابط میان فردی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهر تهران از دیدگاه آموزگاران»، فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی، ش ۳.

۶. ناجی، سعید، «آموزش تفکر به کودکان راهی برای دستیابی به

صلح جهانی»، تفکر و کودک، ش ۲.

۷. شعبانی، حسن، روش تدریس پیشرفته (آموزش مهارتها و

راهبردهای تفکر).

8. Richard Paul, Lindoa Elder, and Ted Bartell, "A Brief History of the Idea of Critical Thinking", California Commission on Teacher Credentialing.

۹. مارزینو، رابرت جی و دیگران (رنکین، سوچیور، برنت، سوهور و

جونز)، «ابعاد تفکر در برنامه‌ریزی درسی و تدریس» ترجمه قدسی احقر.

۱۰. مایزر، چت، آموزش تفکر انتقادی، ترجمه خدایار ابیلی.

۱۱. دیانی، محمد حسین؛ معرف‌زاده، عبدالحمید، مبانی مرجع:

فنون و روشهای پرسش کاوی و پاسخ‌یابی از منابع کتابخانه.

۱۲. پریخ، مه‌ری؛ پریخ، زهره؛ مجدی، زهرا، «ردپای مفاهیم فلسفی

در داستانهای کودکان: پژوهشی پیرامون شناسایی مؤلفه‌های مرتبط با آموزش تفکر فلسفی»، مطالعات کتابداری و علم اطلاعات، (۴).

۱۳. عباسی، پروین، «بررسی مهارتهای موثر بر پرورش تفکر

انتقادی در برنامه درسی جامعه‌شناسی در دوره متوسطه در سال تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹»، رساله دکتری، دانشگاه تربیت معلم تهران.

۵. پیری سارامانلو، محمد، «نقش و جایگاه اینترنت در زندگی دانش‌آموزان؛ فرصت‌ها و تنگناها»، ماهنامه پژوهش ملل، دوره اول، ش ۸، مرداد ۱۳۹۵.

۶. حجازی، بنفشه، ادبیات کودکان و نوجوانان: ویژگیها و جنبه‌ها، تهران، روشنگران، ۱۳۸۰.

۷. دبانی، محمد حسین؛ معروف‌زاده، عبدالحمید، مبانی مرجع: فنون و روشهای پرسش‌کاوی و پاسخ‌یابی از منابع کتابخانه، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.

۸. رستمی، منیره، «بررسی میزان مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان براساس جو سازمانی مدارس»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه تبریز، ۱۳۸۸.

۹. سیف، علی‌اکبر، روان‌شناسی پرورشی نوین، روان‌شناسی یادگیری و آموزش، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۹۱.

۱۰. شعبانی، حسن، روش تدریس پیشرفته (آموزش مهارت‌ها و راهبردهای تفکر)، سمت، ۱۳۹۲.

۱۱. -----، مهارت‌های آموزشی و پرورشی: روشها و فنون تدریس، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۳.

۱۲. عباسی، پروین، «بررسی مهارت‌های موثر بر پرورش تفکر انتقادی در برنامه درسی جامعه‌شناسی در دوره متوسطه در سال تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹» رساله دکتری، دانشگاه تربیت معلم، تهران، ۱۳۸۰.

۱۳. قیاسی، میترا، «تفکر انتقادی»، کودک و رسانه، دوره جدید، س ۱، ش ۲، پاییز و زمستان، ۱۳۹۰.

۱۴. مارزینو، رابرت جی و دیگران (رنکین، سوچیور، برنت، سوهور و جونز)، «ابعاد تفکر در برنامه‌ریزی درسی و تدریس»، ترجمه قدسی احقر، تهران، انتشارات یسظرون، ۱۳۸۳.

۱۵. مایزر، چت، آموزش تفکر انتقادی، ترجمه خدایار ایبلی، تهران، سمت، ۱۳۸۶.

۱۶. مظلوم خراسانی، محمد؛ اکبری فریمانی، محمد، «بررسی تفکر انتقادی معلمان آموزش و پرورش شهر فریمان و عوامل مؤثر بر آن»، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، بهار و تابستان ۱۳۸۸.

۱۷. منصور، محمود، روانشناسی ژنتیک: تحول روانی از تولد تا پیری، ۱۳۸۶.

۱۸. ناجی، سعید، «آموزش تفکر به کودکان راهی برای دستیابی به صلح جهانی»، تفکر و کودک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، س ۱، ش ۲، ۱۳۸۹.

14. Feloridi, L., "The Information Society and it's Philosophy: Introduction of the Special Issue on the Philosophy of Information, it's Nature and Future Development", pp.25,153-158.

۱۵. بل، دیوید، درآمدی بر فرهنگ‌های سایبر، ترجمه مسعود کوثری و حسین حسینی.

16. See: Ennis, R. H., *Critical Thinking*.

17. Arp, L., "In Search of a Definition of Critical Thinking", in C. Oberman and D. Kimmage (eds.), *Russian - American Seminar on Critical Thinking and the Library Moscow*, June 1-5, pp. 57-67, Illinois.

۱۸. قیاسی، میترا، «تفکر انتقادی»، کودک و رسانه، دوره جدید،

ش ۱ و ۲، ص ۵۳-۷۹.

۱۹. منصور، محمود، روانشناسی ژنتیک: تحول روانی از تولد تا پیری؛ پولادی، کمال، بنیادهای ادبیات کودک؛ حجازی، بنفشه، ادبیات کودکان و نوجوانان: ویژگیها و جنبه‌ها؛ برک، لورا ای، روانشناسی رشد (از لقاح تا کودکی)، ترجمه یحیی سید محمدی.

۲۰. «تفکر انتقادی»، کودک و رسانه، دوره جدید، ش ۱ و ۲.

21. Woolfolk, A. E., *Educational Psychology*, 4th ed., pp. 228-230.

22. Kneedler, P. E., "Assessment of Critical Thinking Skills in History and Social Science", pp. 275-279.

۲۳. ر.ک: آموزش تفکر انتقادی، ترجمه خدایار ایبلی.

۲۴. مظلوم خراسانی، محمد؛ اکبری فریمانی، محمد، «بررسی تفکر انتقادی معلمان آموزش و پرورش شهر فریمان و عوامل مؤثر بر آن»، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.

۲۵. رستمی، منیره، «بررسی میزان مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان براساس جو سازمانی مدارس»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی.

۲۶. همانجا.

منابع فارسی:

۱. برک، لورا ای، روانشناسی رشد (از لقاح تا کودکی)، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران، ارسباران، ۱۳۸۵.

۲. بل، دیوید، درآمدی بر فرهنگ‌های سایبر، ترجمه مسعود کوثری و حسین حسینی، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان، ۱۳۸۹.

۳. پریخ، مه‌ری؛ پریخ، زهره؛ مجدی، زهرا، «ردپای مفاهیم فلسفی در داستان‌های کودکان: پژوهشی پیرامون‌شناسایی مؤلفه‌های مرتبط با آموزش تفکر فلسفی»، مطالعات کتابداری و علم اطلاعات، ۱۳۸۸، (۴)، ۱.

۴. پولادی، کمال، بنیادهای ادبیات کودک، تهران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۴.

۱۹. ناجی، سعید، «بررسی نتایج برنامه فلسفه برای کودکان بر روی مهارتهای استدلال و عملکرد رفتاری کودکان»، *فصلنامه مطالعات برنامه درسی*، س ۲، ش ۷، ۱۳۸۹.

۲۰. ناجی، سعید؛ خطیبی مقدم، سمیه (۱۳۸۸)، «تأثیر روش حلقه‌ی کندوکاو فلسفی بر مهارت‌های گفتگوی دانش‌آموزان ابتدایی»، دو *فصلنامه تفکر و کودک*، دوره ۷، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۵.

۲۱. هدایتی، مهنوش، «بررسی تأثیر اجرای برنامه «فلسفه برای کودکان» به صورت اجتماع پژوهشی بر بهبود روابط میان فردی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهر تهران از دیدگاه آموزگاران»، *فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی*، س ۴، ش ۳، تابستان ۱۳۸۸.

منابع انگلیسی:

1. Arp, L., "In Search of a Definition of Critical Thinking", in C. Oberman and D. Kimmage (eds.), *Russian- American Seminar on Critical Thinking and the Library Moscow*, June 1-5, Illinois, the Board of Trustees of the University of Illinois, 1992.
2. Dreyfus, H., "Anonymity versus Commitment: The Dangers of Education on the Internet", *Educational Philosophy and Theory*, vol. 34, No 4, 2002.
3. Ennis, R. H., *Critical Thinking*, Upper Saddle River, NJ: Prentice Hall, 1996.
4. -----, "Goals for a Critical Thinking Curriculum and its Assessment", net retrieved October 27, 2006.
5. Feloridi, L., "The Information Society and it's Philosophy: Introduction the Special Issue on the Philosophy of Information, it's Nature and Future Development", 2009.
6. Kneeder, P. E., "Assessment of Critical Thinking Skills in History and Social Science", California State Department of Education, 1985.
7. Richard Paul, Linda Elder, and Tead Bartell, "A Brief History of the Idea of Critical Thinking", California Commission on Teacher Credentialing, 1997.
8. Woolfolk, A. E., *Educational Psychology*, 4 th ed., New Jersey, Englewood Cliffs, 1990.

